



وق نرزمایه است که مجله بساطت کوثر است



کارتن ۲۰ دوسیه ۵

بخشی از اسناد سرقت از کتابخانه سلطنتی
وعلی کتابداریاشی (لسان الدوله)
زهره شریف کاظمی

کارتن ۲۰ دویسیه ۵

بخشی از اسناد سرقت از کتابخانه سلطنتی
و علی کتابدار باشی (لسان الدوله)

زهرا شریف کاظمی





عنوان و نام پدیدآور:	کارتن ۲۰ دوسیه ۵: بخشی از اسناد سرقت از کتابخانه سلطنتی و علی کتابدارباشی (لسان الدوله)/ زهرا شریف کاظمی؛ ویراستار رقیه آقابالازاده
مشخصات نشر:	تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری:	۴۵۰ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م. ۸۵۰۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۳۲-۱
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
رده بندی کنگره:	Z۸۴۶
رده بندی دیویی:	۰۲۷/۲۸۵۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۷۴۳۸۳۰۹



کارتن ۲۰ دوسیه ۵:

بخشی از اسناد سرقت از کتابخانه سلطنتی و علی کتابدارباشی (لسان الدوله)

پدیدآورنده: زهرا شریف کاظمی

ویراستار: رقیه آقابالازاده

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: موسسه و انتشارات ندای تاریخ

طراح جلد: جمال سرور (عکس روی جلد: اطاق موزه مبارکه و عکس ناصرالدین شاه،

متعلق به کاخ موزه گلستان)

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۳۲-۱

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

تقدیم بہ خواہر زادہ امی عزیزم

روینا ورزا

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول - وضعیت کتابخانه در ایران.....	۵
الف - کتابخانه یا کتابخانه.....	۵
ب - کتابخانه در دوره صفوی.....	۵
ج - کتابخانه در دوره قاجار و عصر ناصری و سرگذشت آن.....	۶
فصل دوم - مروری بر دفتر لسان الدوله از لابه لای اسناد.....	۱۱
الف - مروری بر دفتر لسان الدوله.....	۲۰
ب - شرکاء لسان الدوله.....	۴۳
ج - لسان الدوله و محاکمات وی.....	۶۸
فصل سوم - مجموعه اسناد.....	۸۹
الف - اسناد سال ۱۳۱۲ ق.....	۸۹
ب - اسناد سال ۱۳۲۷ ق.....	۹۱
ج - اسناد سال ۱۳۲۹ - ۱۳۲۸ ق.....	۱۷۷
د - اسناد سال های ۱۳۳۹ - ۱۳۳۰ ق.....	۲۵۹
ه - اسناد سال های ۱۳۱۵ - ۱۳۰۰ ش.....	۳۲۵
کتابنامه.....	۳۵۵
کتاب ها.....	۳۵۵
مقالات.....	۳۵۶
سازمان اسناد ملی ایران.....	۳۵۶
مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه.....	۳۵۸
اسناد موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.....	۳۶۵
فهرست نسخ خطی.....	۳۶۵
ضمایم.....	۳۶۷
فهرست اعلام.....	۳۸۹

مقدمه

کتاب و کتابخانه در ایران فراز و نشیب زیادی را به خود دیده است. پادشاهان در طول دوره خود همواره به کتاب‌سازی و استتساخ در زمانی که چاپ در ایران رونق نداشت اقدام نموده‌اند و این امر در دوره قاجار نیز همچنان ادامه یافت. در سال ۱۲۷۰ق اسلحه‌خانه‌ای مخصوص برای اسلحه‌ها و آلات حربیه سلطنتی بنا شد که در آن تمام سلاح‌های قدیمی که غالباً جواهرنشان و کار استادان بزرگ بود در آنجا نگهداری می‌شد.^۱ بعد از تأسیس اسلحه‌خانه، کتابخانه‌ای مخصوص کتب سلطنتی به دستور ناصرالدین‌شاه بنا شد که کلیه کتب اعم از خطی و چاپی، مرقعات نفیس و ... در آنجا جمع‌آوری و زیر نظر مستقیم خود وی اداره می‌شد. بعد از مرگ ناصرالدین‌شاه و جلوس مظفرالدین‌شاه، کتابدارباشی مجموعه مذکور یکی از همراهان وی بود که از تبریز به همراه او آمده بود. علی کتابدارباشی در طول مدت یازده سال سلطنت مظفرالدین‌شاه از ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۴ق مدیریت و کتابداری مجموعه مذکور را برعهده داشت. اما پس از مرگ مظفرالدین‌شاه و به تخت نشستن محمدعلی‌شاه مجبور به واگذاری کتابخانه شد. او در طول تصدی‌اش کتاب‌های زیادی از کتابخانه خارج و با همدستی تنی چند از درباریان و پسرانش و با صحافی مجدد کتاب‌ها، آنها را به فروش می‌رساند. بعد از اینکه موضوع سرقت از کتابخانه سلطنتی برملا شد، خانه وی

۱. محبوبی اردکانی، حسین، ۱۳۸۴، چهل سال تاریخ ایران، محقق/مصحح: ایرج افشار، ج دوم، تهران، انتشارات اساطیر، ج ۲، ص ۶۶۶.

مورد بازرسی قرار گرفت و بخشی از کتب مسروقه به کتابخانه بازگردانده شد و به دنبال آن لسان الدوله و همدستانش توقیف و به عدلیه جهت بازجویی معرفی و سپس محاکمه شدند.

پژوهش حاضر درباره سرقت از کتابخانه سلطنتی و علی کتابدارباشی (لسان الدوله) است که پس از جمع‌آوری و استتساخ در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. شیوه گردآوری مطالب در این کتاب به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است که اسناد مورد استفاده از اسناد آرشیو ملی ایران، موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه انتخاب شده است.

این کتاب به سه فصل متمایز تقسیم شده است. در فصل اول و بخش‌های اول تا سوم آن با نگاهی به وضعیّت کتابخانه در ایران، به کتابخانه یا کتابخانه در ایران و وضعیّت کتابخانه در دوره صفوی اشاره دارد، سپس به وضعیّت کتابخانه در دوره قاجار و عصر ناصری و سرگذشت آن می‌پردازد. در فصل دوم شخصیت و زندگی لسان الدوله از لابلای اسناد آمده است و به محاکمه او و شرکایی که در این عمل همراه او بودند اشاره دارد. در فصل سوم نیز مجموعه اسناد مربوط به لسان الدوله و کسان دیگری که در این پرونده دخیل بوده‌اند جهت مزید اطلاع خوانندگان ارائه گردیده است. اسناد موجود در این مجموعه مربوط به سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۱۲ق/۱۳۱۵ - ۱۲۷۳ش است، که در کتاب کلیه اسناد به صورت سالشمار آورده شده است. در خوانش اسناد سعی شده تا حد امکان برای فهم بهتر متن از نشان‌های دستور زبان امروزی همچون "،"، "؛"، "!" استفاده شود، کلماتی که خواننده نشده به صورت ... و اگر در متن سند جای خالی بوده و کلمه‌ای نوشته نشده به صورت [...] آمده است. در متن اسناد برای خلاصه‌نویسی ماه‌های قمری از عبارت‌های "ج ۱"، "ج ۲"، "ر ۱" و "ر ۲" استفاده شده است که در اینجا عبارت کامل جمادی‌الاول، جمادی‌الثانی، ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی آورده شده است. لازم به ذکر است اغلاط املائی کلمات در متن بازخوانی تصحیح شده و در پاورقی به آن اشاره شده است.

امید است که این مجموعه اسناد راه‌گشای تحقیقات بیشتر برای پژوهشگران و

محققان گرامی در جهت روشن‌تر شدن زوایای موضوع سرقت از کتابخانه سلطنتی باشد.

در پایان از پرسنل خدوم و زحمتکش آرشیو و بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران و همچنین بخش نسخ خطی و کاوش موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه که همواره در این راه مرا همراهی نمودند نیز تشکر و قدردانی ویژه می‌نمایم. همچنین از دوستان عزیزم که مشوق همیشگی من در این راه بودند نیز سپاسگزارم.

فصل اول - وضعیت کتابخانه در ایران

الف - کتابخانه یا کتابخانه

علت وجودی کتابخانه را باید در شکل‌گیری کتابخانه‌ها در تاریخ ایران جستجو کرد. کتابخانه‌ها تحت حمایت دیوانسالاری، اندیشمندان، عالمان، خوشنویسان، و زاقان و کاغذگران شکل‌گرفته بودند و زیر نظر آنان و با حمایت پادشاهان هنردوست و عالمین و دیگرانی یا تحت عنوان وقف برای اشاعه علم و دانش در این حوزه شاهد تحولات چشم‌نوازی در قرون مختلف از منظر هنری و ... هستیم. این کتابخانه‌ها و کانون تمرکز هنرنمایی آنها بین ایران، هند و آسیای صغیر بود که در هر دوره‌ای دست‌به‌دست گردید و در این میان نیز گاهی در مسیر دچار رکود و افول شده و در مواردی هم با چهره‌ای نو رخ نموده و با شتاب عرصه‌های هنر را یک‌به‌یک درمی‌نوردید.

ب - کتابخانه در دوره صفوی

در آغاز دولت صفوی، شاه‌طهماسب اول نسبت به تشکیل کتابخانه‌ای بزرگ همت گماشت که توجه به این امر علاوه بر شخص خود شاه، توسط دیگر شاهزادگان صفوی نیز دنبال گردید. آنان از مشوقان کار کتابسازی و همچنین دارای کتابخانه‌های معتبر بودند. چون ایرانیان چاپخانه جهت چاپ کتاب نداشتند و هم اینکه به این صنعت توجه لازم نداشتند، لذا چاپ کتاب در ایران رونقی نداشت.

شاردن در سفرنامه خود به نبود چاپخانه در ایران و همچنین عدم توجه ایرانیان به این صنعت اشاره نموده و علت آن را هوای خشک ایران می‌داند که نه تنها کاغذ شکننده و کم دوام می‌شد، بلکه استفاده از چاپخانه را نیز سخت و دشوار می‌ساخت و در ادامه هم می‌آورد:

«از این رو، به نوشتن و داشتن نسخه‌های خطی خرسندند، و چون بالطبع دوستدار دانش می‌باشند، هنر کتابت و نسخه‌نویسی ترقی بسیار یافته و در شمار هنرهای زیبا درآمده است»^۱.

با پیدایش دولت صفوی و نفوذ علما در این دوره، رویکرد تازه‌ای نسبت به دانش‌اندوزی و کتاب در جامعه ایجاد شد و تحول جدیدی در برخی از دانش‌ها به وجود آمد. اما با این وجود کار از حد استنساخ کتاب فراتر نرفت.^۲

ج - کتابخانه در دوره قاجار و عصر ناصری و سرگذشت آن

دوره فتحعلی شاه دوره شکوه کتابخانه سلطنتی بود. وی علاقه زیادی به کتب نفیس و آثار هنری داشت. لذا کتابخانه‌ای در قصر سلطنتی تهران و به نام «کتابخانه شاهنشاهی» تأسیس نمود و با جمع‌آوری آثار هنری و علمی گذشتگان به کتابخانه سلطنتی رونق خاصی بخشید. مهدی بامداد در کتاب شرح رجال ایران، تأسیس کتابخانه را به سال ۱۲۷۰ق و علت آن را ازدیاد کتب خطی، قطعات و خطوط اساتید در دربار سلطنتی آورده است.^۳ درخصوص زمان شروع جمع‌آوری کتاب‌ها، عبدالله بهرامی در کتاب خاطراتش اظهار بی‌اطلاعی می‌کند:

«... جمع‌آوری این کتب از چه تاریخ شروع شده و به وسیله کدام یک از

۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ۱۳۷۲، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس، ج ۴، ص ۹۶۱.

۲. سپهر، عبدالحسین خان، ۱۳۸۶، مرآت الوقایع مظفری، مصحح/محقق: عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ج ۱، ص ۲۱.

۳. بامداد، مهدی، ۱۳۷۱، شرح حال رجال ایران قرن‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، انتشارات زوار، ص ۳۸۵.

سلاطین برای آنها کتابخانه اختصاص داده شده است برای من مجهول است
ظاهراً این کتب و دواین می‌بایستی که در دوره سلاطین صفویه و کریم‌خان و
نادرشاه گردآوری شده باشد. قاجاریه چندان توجهی به کتاب و صنعت نقاشی
نداشته‌اند»^۱.

مسئولیت نگهداری کتابخانه در زمان محمدشاه (۱۲۲۷-۱۲۱۳ق) بر عهده
حاج میرزا آقاسی گذارده شد، ولی او نتوانست به‌خوبی از عهده مجموعه برآید تا
جایی که به‌جای حفظ گنجینه موجود، تعدادی از کتب نفیس را به‌عنوان پاداش و
هدیه به افراد مختلف می‌بخشید.^۲ عدم مدیریت صحیح و بذل و بخشش‌های
آقاسی باعث شد که ناصرالدین میرزای ولیعهد از شاه درخواست کند که ریاست
کتابخانه به وی واگذار شود.

ناصرالدین میرزا در تبریز در زمان ولایت‌عهدی‌اش کتابخانه مفصلی داشت.
اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد ناصرالدین‌شاه در دوران ولیعهدی (دو سال
قبل از سلطنت)، کتابدار کتابخانه سلطنتی بوده و کتابخانه وی بالغ بر ۱۵۱۰۰
جلد و شامل نسخ خطی و چاپی بوده است.^۳ عبدالله بهرامی کتابخانه او را چنین
توصیف می‌کند:

«کتابخانه سلطنتی در واقع خیلی مهم و دارای نسخ خطی و دیوان‌های
مصور به نقش‌های استادان چینی بود که با جرأت می‌توان گفت نظایر آن در
ممالک شرقی و اسلامی و حتی اروپایی کمتر دیده می‌شد».^۴

ناصرالدین‌شاه در نخستین سال‌های پادشاهی خود به فکر ساختن موزه و

۱. بهرامی، عبدالله، ۱۳۶۳، خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین‌شاه تا اول کودتا، تهران، انتشارات علمی، ص ۲۶۵.

۲. فریدون، تفرشی، «خروج نسخه‌های خطی و اشیاء عتیقه در عهد قاجار»، پیام بهارستان، ش ۹۳، شهریور ۱۳۸۳، ص ۸-۶.

۳. رجوع شود به: LISNA.IR

۴. بهرامی، خاطرات عبدالله بهرامی، ص ۲۶۵.

کتابخانه بزرگ تری افتاد. شاهد آن نوشته محمدحسن خان اعتمادالسلطنه درباره کتابخانه سلطنتی در روزنامه‌اش است که به وجود اتاقی در اندرون پادشاه اشاره کرده که کتب و مرقعات در آنجا نگهداری می‌شده است. مرآت‌الوقایع مظفری در ذیل عنوان شرح کتابخانه سلطنتی چنین می‌آورد:

«اعلیحضرت همایونی به جهت کمال میلی که به علم و دانش دارد، از آن وقت که به طهران تشریف آورد، در ترقی کتابخانه سلطنتی سعی کرد. اگرچه کتابخانه سلطنتی از سابق بود، لکن شاه از هنگام جلوس هر روزه کتاب بر آن افزود و چون فضلالی مملکت میل او را به کتاب دیدند، کتاب‌های تاریخی و علمی به نام مبارکش نوشتند و تقدیم داشتند...»^۱.

وی در ادامه نیز به وجود سه کتابخانه در «اطاق موزه»، «عمارت مخصوص» و «حرمسرا» اشاره می‌کند.^۲ ناصرالدین‌شاه در سراسر دوران ریاست بر کتابخانه به جمع‌آوری و خرید کتب و مرقعات، تابلوهای نقاشی و سایر آثار هنری می‌پرداخت. همچنین نسخه‌های خطی که از رجال، شاهزادگان، امرا یا درباریان به‌رسم پیشکش به وی اهداء می‌شد یا در حسابرسی وزراء و حکام بابت کسری حسابشان جای بخشی از پول به وی می‌دادند را قبول و بر مجموعه مذکور می‌افزود.^۳ عبدالله مستوفی هم حکایتی از میرزا محمود که در خصوص بقایا به شاه بدهکار بود آورده است:

«باری کار میرزا محمود مشکل بود زیرا با ناصرالدین‌شاه که از بقایای حاکم حتی عموهای خود نمی‌گذشت چه می‌توانست بکند، میرزا محمود... با مقداری قطعات و مرقعات خطوط میرعماد و قرآن و کتاب‌های خطی و

۱. سپهر، مرآت‌الوقایع مظفری، ج ۱، ص ۲۱.

۲. همان.

۳. کیانفر، جمشید، «مرده ریگ فرهنگی (ماجرای سرقت از کتابخانه سلطنتی براساس برخی از اسناد موجود در کتابخانه کاخ گلستان)»، نامه بهارستان، شماره ۹ و ۱۰، سال ۱۳۸۳، ص ۲۸۶-

تذهیب‌کاری که از راه عشق به این صنعت‌های ظریف در این سنوات تهیه کرده بود و در خور خزانه شاهی بود به حضور شاه فرستاد. شاه این نقد و جنس را برخلاف انتظار همه کس در مقابل باقی پذیرفت و امر داد مفاسا به میرزا محمود بدهند».^۱

ناصرالدین شاه چه در زمان ولایتعهدی و چه بعد از آن توجه شدیدی در حفظ و حراست کتب موجود در کتابخانه سلطنتی داشت و تا زمان مرگش به شدت بر آن نظارت می‌کرد و کتابخانه را به شیوه‌ها و عناوین مختلف مورد تفتیش و بررسی قرار می‌داد تا موجودی کتاب‌ها مورد دستبرد واقع نگردد. بصیرالملک شیبانی در روزنامه خاطرات خود در ذیل وقایع ۱۳۰۶ ق در خصوص توجه ناصرالدین شاه چنین می‌نویسد:

«ناصرالدین شاه ... مواظب کتابخانه سلطنتی بود هر کتابی به هر عنوانی که از مجموعه خارج می‌شد بایست نسبت به ثبت دفتر استیفا شود و رسید اخذ گردد».^۲

یکی دیگر از اقدامات ناصرالدین شاه برای حفظ و حراست از مجموعه علاوه بر وجود «دفتر استیفا» و دادن «رسید» در قبال هر کتاب، «تسویه بعد از تحویل» بود و اینکه بر اکثر کتاب‌ها «مهر مخصوص» زده می‌شد که این مهر بعدها باعث شد برخی کتاب‌های سرقتی از دربار و کتابخانه سلطنتی پیدا و به کتابخانه بازگردانده شود. بنابر گفته‌های لسان‌الدوله، میزان کتاب‌های موجود در کتابخانه زمانیکه کتابخانه را تحویل گرفت پنج الی شش هزار جلد کتاب بود و چیدمان کتابخانه سلطنتی هم بر اساس «حروف الفبا» بوده است. حال شرح چیدمان کتابخانه سلطنتی را از زبان او که در متن محاکمات آمده است بشنویم:

«در وسط یک گنجه مسطحی بود که در توی آن نوشتجات دولتی از قبیل

۱. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۴، شرح زندگانی من، ج پنجم، تهران، انتشارات زوار، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۳.

۲. کیانفر، ص ۲۸۶-۲۷۵.

قبالجات و غیره ضبط بود که آن نوشتجات و اسناد را مظفرالدین شاه مرحوم در جلوس سلطنت به اندرون حمل کردند و دور تا دور آن اتاق که کتابخانه است، توی درگاه‌ها گنجه بسته شده است، گنجه‌های روبرو، تماماً کتاب‌های زبان فرانسه و خارجه است، طرف دست راست و چپ هم یک طرف که چهار گنجه بود، کتب خطی و غیره را به ترتیب الفبا گذاشته بودند و طرف دیگر هم کتب چاپی ایرانی بود...»^۱.

پس از مرگ ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ق، مظفرالدین میرزای ولیعهد با تعداد زیادی از اطرافیان خود از تبریز به تهران آمد و بر تخت سلطنت نشست. اولین اقدام وی تقسیم مناصب سلطنتی بین اطرافیان بود و در این میان منصب «کتابدارباشی» یعنی ریاست کتابخانه سلطنتی را به «میرزا علی خان» که در تبریز پیشخدمت و کتابدار او بود محول^۲ و به او لقب «لسان‌الدوله» اعطاء گردید.^۳

۱. قاضیها، فاطمه، ۱۳۹۰، اسنادی از تاراج کتابخانه سلطنتی، تهران، انتشارات سازمان اسناد و

کتابخانه ملی ایران، سند ۱۲، (۹ ذیحجه ۱۳۲۷)، ص ۷۴.

۲. بهرامی، خاطرات عبدالله بهرامی، ص ۲۶۶.

۳. چرچیل، جورج، پ، ۱۳۶۹، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران،

انتشارات ارژنگ، ص ۱۴۸.